

بررسی مقایسه‌ای درباره وضعیت جهان پیش از ظهور منجی و هنگام ظهور در قرآن مجید و کتب عهدعتیق و عهدجدید

دکتر احمد رنجبر^۱

چکیده

بحث درباره وضعیت جهان پیش از ظهور منجی و هنگام ظهور از جمله مسائلی است که همیشه ذهن بشر را به خود مشغول کرده است. در این نوشتار تلاش می‌شود این موضوع در قرآن مجید و کتب عهدعتیق و عهدجدید و حتی المقدور اوستا و دیگر کتب مقدس به صورت مقایسه‌ای مورد بررسی قرار گیرد.

پیامبران الهی و ادیان آسمانی چون دین اسلام و یهود و مسیح و... در کتب آسمانی که از طرف خداوند بر شارع آنها نازل شده در این ارتباط مسائل روشنی را بیان کرده‌اند، به ویژه ظهور منجی که هر سه دین بزرگ آسمانی بر آن اتفاق نظر دارند.

واژگان کلیدی

منجی، قرآن مجید، عهدعتیق، عهدجدید، ظهور.

۱. عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.



بیان مسئله

مسئله مورد نظر در این مقاله بر اساس آیات قرآن و همچنین مطالبی از کتب عهدعتیق و عهدجدید و اوستا است و در مواردی نیز به بیانات بزرگان دین اشاراتی خواهد شد.

سراغاز

آنچه در قرآن مجید به عنوان نشانه‌های قیامت آمده است با کتب مقدّس اعم از کتب عهدعتیق و عهدجدید برابری دارد، البته نکات اختلافی نیز وجود دارد که بعضاً مربوط به وضعیت زمانی و مکانی نزول وحی است، و همچنین تحریفاتی است که در اثر مرور زمان در مواردی در برخی از کتب مقدّس به وجود آمده است. لازم است پیش از آنکه به اصل مطلب یعنی مقایسه نشانه‌های قیامت بپردازیم، واژه «تحریف» را که اهمیت ویژه‌ای دارد معنی کنیم و سپس مقایسه را آغاز نماییم:

تحریف در لغت به معنی تبدیل یا تغییر دادن کلام از وضع و طرز و حالت اصلی است و جمع تحریف به صورت تحریفات به کار می‌رود.

تحریف به دو نوع تقسیم می‌شود:

تحریف معنوی

تحریف لفظی

تحریف معنوی عبارت از تفسیر کلام است بر خلاف معنایی که کلام وحی خواهان آن است و در این زمینه آورده شده است که: «كَمْ مِنْ آيَةٍ فَسَّرَوَهَا عَلَىٰ غَيْرِ وَّجْهِهَا» «چه بسیار آیه‌هایی را که برخلاف مفهوم آن تفسیر کرده‌اند».

اما تحریف لفظی عبارت از آن است که یک کلمه را از اصل متن بردارند و کلمه دیگری را به جای آن بگذارند، یا اینکه کلمه‌ای را حذف کنند یا اضافه نمایند، یا کلمه‌ای را جابه‌جا کنند. بنابراین تحریف لفظی ممکن است:

۱- تحریف موضعی باشد.

۲- تحریف به افزودن باشد.

۳- تحریف به کم کردن باشد.

در قرآن مجید چهار آیه در زمینه تحریف آورده شده است:

۱- در سوره نسا داریم: «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ يَقُولُونَ سَمِعْنَا وَ

عَصِينَا وَ اَسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ...»^۱ «از بین کسانی که یهودی شدند کلام را از جای هایش تغییر می دهند و می گویند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو غیر شنونده... (گویند بشنو که کاش ناشنوا باشی)»

۲- در سوره مائده نیز نزدیک به همین مضمون، آیه زیر را داریم:

«... مِنَ الَّذِينَ هَادُوا ... يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ اَنْ اُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ و ...»^۲
«از کسانی که یهودی شدند، تغییر می دهند کلام را از مواضع خود و می گویند اگر داده شده این را پس بگیردش، و...».

۳- در همان سوره مائده داریم: «...يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ...»^۳. «...تحریف می کنند سخن را از جای خود و فراموش کردند بهره ای را از آنچه پند داده شده اند...».

۴- در سوره بقره هم داریم: «اَفَتَطْمَعُونَ اَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَ قَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللّٰهِ ثُمَّ يُحَرِّفُوْنَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوْهُ وَ هُمْ يَعْلَمُوْنَ»^۴. «آیا پس طمع می دارید که تصدیق کنند شما را و به حقیقت گروهی از ایشان می شنیدند کلام خدا را پس تغییر می دادند آن را، بعد از آنکه دریافتند بودند و آن را می دانستند».

همانگونه که در این چهار آیه شریفه مشاهده می شود «يُحَرِّفُونَ كَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» یعنی مفهوم سخن را برای جایی که وضع شده به کنار می زنند، یعنی معنی دیگری به جای آن می گذارند که «مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ» باشد.

حال اگر واژه های را برداشتیم و واژه های دیگر جای آن گذاشتیم، می شود تحریف لفظی چون هر لفظ بستری دارد که معنی آن لفظ است، چون لفظ وُضِعَ عَلَى الْمَعْنَى است. مثلاً واژه «قلم» برداشته شود و به جای آن «کتاب» قرار گیرد یا واژه «امراه» به جای آن «رجل» آورده شود.

با توجه به سرآغاز وارد مطلب می شویم که مقایسه نشانه های قیامت در قرآن مجید و کتب مقدّس می باشد.

آنچه در کتب مقدّس در ارتباط با وضعیت جهان پیش از قیامت آورده شده تقریباً با آیات

۱. النساء، ۴۶.

۲. المائده، ۴۱.

۳. المائده، ۱۳.

۴. البقره، ۷۵.

قرآنی در همین زمینه همخوانی دارد، مثلاً در انجیل متی آنجا که شاگردان حضرت عیسی درباره آینده جهان ازو پرسند، آن حضرت چنین گوید: «زنها کسی شما را گمراه نکند، از آن رو که بسا به نام من آمده خواهد گفت که من مسیح هستم، و بسیاری را گمراه خواهد کرد، و جنگها و اخبار جنگها را خواهید شنید، زنها مضطرب نشوید، زیرا که وقوع این همه لازم است، لیکن انتها هنوز نیست، زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند کرد، و قحطها و وباها و زلزلهها پدید آید و بسا انبیای کذب ظاهر شده، مردم را گمراه کنند و به جهت افرونی گناه محبت بسیاری سرد خواهد شد، لیکن هر که تا به انتها صبر کند، نجات یابد»^۱.

در همین زمینه در کتاب اشعیا می‌خوانیم: «دردها و رنج‌هایی که برای مردم پیش از ظهور نجات‌دهنده رخ دهد همانند دردهای زایمان است»^۲.

در مرقس هم آورده شده که وضعیت اجتماعی در دوره قبل از ظهور منجی آشفته خواهد بود، آنگونه که برادر، برادر را، و پدر فرزند را به هلاکت خواهند سپرد و فرزندان بر والدین خود برخوانند خاست، ایشان را به قتل خواهند رسانید.^۳

وضعیت جهان را به همین صورت در دیوان حافظ^۴ که برگرفته از روایات مختلف است می‌بینیم:

همه آفاق پر از فتنه و شر می‌بینم علت آن است که هر روز بتر می‌بینم قوت دانا همه از خون جگر می‌بینم طوق زرین همه در گردن خرمی‌بینم پسران را همه بدخواه پدر می‌بینم هیچ شفقت نه پدر را به پسر می‌بینم که من این پند به از در و گهر می‌بینم	این چه شور است که در دور قمر می‌بینم هر کسی روزبهی می‌طلبد از ایام ابلهان را همه شربت ز گلاب و قند است اسب تازی شده مجروح به زیر پالان دختران راهمه جنگ است و جدل یا مادر هیچ رحمی نه برادر به برادر دارد پند حافظ بشنو خواجه برو نیکی کن
---	---

در رساله (۲) تیموتاؤس نیز وضعیت جهان قبل از ظهور منجی بدین شکل توصیف شده که

۱. متی، ۱۴-۲۴/۴ (تحت عنوان آینده جهان)، نیز رک به مرقس، ۲۰-۱۳/۱ (تحت عنوان آینده جهان)، نیز لوقا،

۲۴-۲۱/۷.

۲. اشعیا، ۱۸-۲۶/۱۶.

۳. مرقس، ۱۳-۱۳/۱۲.

۴. این غزل منسوب به حافظ است و بعید است از او باشد. در هیچ یک از تصحیحات معتبر دیوان حافظ این غزل

نیامده است. (ویراستار)



مردم با کینه و غیبت‌کننده، بی‌مروت و ناپرهیزکار و متنفر از نیکویی خواهند بود.^۱
اصطلاح دَجَال که در روایت اسلامی هم آمده است در عبارتی از رساله یوحنا هم دیده می‌شود: «فرزندان عزیزم، پایان دنیا نزدیک شد، شما حتماً درباره ظهور دَجَال که دشمن مسیح است چیزهایی شنیده‌اید، حتی الآن نیز مخالفان مسیح همه دیده می‌شوند و از همین متوجه می‌شویم که پایان دنیا نزدیک شده است».^۲

از نشانه‌های دیگر پیش از ظهور منجی آمدن مسیح‌ها و پیامبران دروغین است که چنان علامات و معجزاتی خواهند کرد که حتی برگزیدگان خدا را هم گمراه می‌کنند،^۳ در آیه ۶ همین فصل هم آمده است، نشانه دیگر آمدن مسیح دروغین است که در مرقس آمده: «بسیاری به نام من آمده، خواهند گفت من او هستم و افراد بسیاری را گمراه خواهند ساخت».^۴

در شریعت مقدس اسلام، اکثر مطالبی که در کتب مقدس به آنها اشاره شده به صورت روایت آمده است، از آن جمله در ارتباط با ظهور دَجَال که ادعای خدایی می‌کند و می‌گوید «اولیایی، اَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى» و گروهی بسیار از او پیروی می‌کنند و بعداً حضرت مهدی (ع) ظهور می‌کند، این روایات را مجلسی در بحارالانوار نقل کرده است.^۵

در منابع دین زرتشت هم در ارتباط با قبل از ظهور مطالب مبسوطی وجود دارد چنان که در ورجاسب‌نامه آمده: «فساد چنان دامن‌گسترده که زندگی برای آزادگان بی‌مزه و غیرقابل تحمل است، مرگ زودرس و ناپهنگام فزونی گشته و کشتن مردم نیک و پرهیزگار با کشتن مگس برابر شده است، قحط و نیاز مردم را به ستوه آورده و به تمام معنی شادی و خرمی از جهان رخت بر بسته است و...».

و به همین ترتیب مشکلات دوران قبل از ظهور منجی را برمی‌شمارد تا آن جا که می‌گوید: «شوهر تکیه‌گاه زن و فرزند نیست و از دیدنش ناشاد و از مرگش خشنود می‌گردد و ...».^۶
در فصل ۵۹ اشعیا نیز در ارتباط با وضعیت جهان پیش از ظهور منجی چنین آمده است: «بنابراین انصاف از ما دور شده است و عدالت به ما نمی‌رسد، انتظار نور می‌کشیم و اینک

۱. رساله (۲) تیموتاؤس، ۲/۳.

۲. رساله اول یوحنا، ۱۸-۲.

۳. مرقس ۲/۱۳.

۴. مرقس، ۱۳/۶.

۵. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، صص ۲۶، ۱۹۰، ۱۹۲، ۲۰۹.

۶. ورجاسب‌نامه، از منابع زرتشتی.

ظلمت است و منتظر روشنایی هستیم، اما در تاریکی زیاد راه می‌رویم»^۱.
 در جمع‌بندی مطالبی که دربارهٔ وضعیت جهان پیش از ظهور منجی آورده شد، این نتیجه به دست می‌آید که اکثر ادیان آسمانی، وضعیت جهان را نزدیک به هم تصویر کرده‌اند و اختلاف چندانی در مفهوم مطالب وجود ندارد فقط شیوه و سبک بیان مطالب گونه‌گونه است.
 در اینجا لازم است وضعیت جهان هنگام ظهور منجی در کتب مقدّس و روایات اسلامی و آیات قرآنی بررسی و مقایسه شود:

در مکاشفات یوحنا چنین می‌خوانیم: «دو حیوان عجیب که نمودار قدرت‌های شیطانی هستند همراه با دجال جهان را به فساد می‌کشند و فتنه بزرگی برپا می‌کنند، با انجام معجزات بزرگی ساکنان زمین را اغفال و آنان را به پرستش شیطان و حیوان وحشی و دجال وا می‌دارند، آنان به مدت ۴۲ ماه سلطنت می‌نمایند، تا اینکه مسیح با سپاهی از فرشتگان از آسمان فرود آمده و دجال و آن دو حیوان را مغلوب کرده و آنها را در دریای آتش می‌افکند»^۲.
 پس منجی ظهور نمی‌کند مگر اینکه اول شورشی عظیم بر ضدّ خدا برپا شود و آن جهنمی که عامل شورش است قیام کند^۳ و موجب گمراهی مردم گردد.

اما اینکه پس از ظهور منجی، عدالت کامل همه جا را فرا می‌گیرد، فراوانی نعمت وجود دارد و دشمنی و کینه به طور کامل از بین می‌رود، در اکثر کتب مقدّس مطالب نظیر هم است:
 در کتاب اشعیا آمده است: «او (منجی) جهان را به نور خویش روشن می‌کند و نور خورشید ۴۹ برابر می‌شود، و از طریق نور خورشید بیماران را نجات خواهد داد»^۴. درختان را ودار می‌کند تا هر ماه میوه آورند و انسان از آن میوه‌های طبیعی می‌خورد و شفا می‌یابد، گریه و شیون و زاری در جهان نخواهد بود.^۵ بلکه همه شادمان و خوشحال خواهند بود، مرگ دیگر در دنیا وجود نخواهد داشت.^۶

جهان پس از ظهور جهانی است آباد و به گونه‌ای که در بیابان‌های آن آب‌ها خواهد جوشید

۱. اشعیا، ۱۰-۲۵/۹.

۲. مکاشفه یوحنا، ۱۱۳: ۱۲-۱۹/۱۱.

۳. رسالهٔ دوم تیموتاؤس، ۲/۳.

۴. اشعیا، ۶۰/۱۹.

۵. اشعیا، ۶۵/۱۹.

۶. اشعیا، ۳۵/۱۰.

۷. تلمود، ص ۳۵۸ و ۳۵۹. نیز رک به اشعیا، ۲۵/۸.



و همه چیز سرسبز خواهد بود و در آنجا شاهراهی مقدّس خواهد بود، حیوان درنده‌ای در آن نخواهد بود.^۱

در قرآن مجید همین مفهوم را می‌توان دید: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^۲ «بدانید که خداوند زمین را پس از مرگ زنده می‌گرداند، اما ادله قدرت خد را برای شما بیان کردیم تا مگر فکر و عقل به کار بندید».

درباره وضعیت جهان همگام حکومت منجی روایتی است که از امام محمد باقر(ع) نقل شده است: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَوَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بَيْنَهُمْ عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ»^۳ «چون قائم ما قیام کند، خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد، پس عقولشان را جمع کند تا پیروی هوی و هوس نکنند و با یکدیگر اختلاف نورزند، و در نتیجه خودشان کامل شوند».

پس: «بَقِيَهُ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ»^۴ «بدانید آنچه خدا برای شما باقی گذارد و برکت بخشد بهتر است برای شما اگر مؤمن باشید، و اگر خلاف کنید من حافظ شما نیستم».

اما اینکه «منجی کیست؟» در کتب مقدّس آرا و نظرات گوناگون مشاهده می‌شود که برخی از آنها در این جا مورد توجه قرار می‌گیرد:

در کتاب اشعیا آمده است که پادشاهی از نسل داود که روح خدا بر او قرار گرفته و حکیم و خداترس است ظهور خواهد کرد و جهان را از عدل و داد و خیر و برکت پر خواهد ساخت، چنانکه گریه و بره در کنار هم به سر خواهند برد و پلنگ و بزغاله با هم خواهند خوابید.^۵

در کتاب میکاه نبی هم از آمدن پادشاهی عادل که وجود او از ازل بوده خبر داده است.^۶ در کتاب ارمیا نیز مانند اشعیا و میکاه نبی از ظهور پادشاهی از نسل داود که عدل الهی را در جهان جاری خواهد کرد خبر می‌دهد.^۷

۱. اشعیا، ۶۰-۳۵/۷.

۲. الحدید، ۱۷.

۳. کلینی، کافی، کتاب العقل و الجهل، ج ۱، ص ۲۹، حدیث ۲۳. (ترجمه حاج سیدجواد مصطفوی).

۴. هود، ۸۶.

۵. اشعیا، ۶-۱۱/۱.

۶. میکاه نبی، ۶-۵/۲.

۷. ارمیا، ۶-۲۳/۵.



در کتاب مزامیر هم منجی از نسل داود معرفی شده است.^۱
در کتاب زکریا از آمدن منجی موعود یا پادشاهی عادل که سوار بر درازگوشی پیروزمندانه به اورشلیم وارد خواهد شد و سلطنت او از دریا تا دریا و رود فرات تا دورترین نقطه زمین خواهد بود مژده داده شده است.^۲

در کتاب ملاکی هم آمده است: پیش از آنکه روز عظیم و مهیب خداوند فرا رسد، ایلیا (الیاس) نبی که به آسمان صعود کرده و در آنجا زنده است ظهور خواهد کرد.^۳
در انجیل متی چنین می‌خوانیم: «این مژده پادشاهی الهی در سراسر عالم اعلام خواهد شد تا برای همه شهادتی باشد و آنگاه پایان کار فرا می‌رسد، پس اول باید پیام انجیل به تمام ملت‌ها برسد تا فرصتی برای پیوستن به مسیح یا مخالفت با او پیدا کنند و یکی را به اختیار خود برگزینند».^۴ در همین رابطه داریم: ظهور ماشیح و فعالیت های او در راه بهبود وضع جهان و تأمین سعادت بشر قسمتی از اراده الهی در آغاز آفرینش جهان بوده است.^۵ خوشبختی بشر هنگام حکومت منجی به حدی است که گرگ و بره با هم خواهند چرید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد و خوراک مار خاک خواهد بود.^۶

این مژده را خداوند در قرآن مجید برای زمینیان چنین بیان می‌فرماید که: «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نَرَى فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ».^۷
«و ما اراده کردیم که بر آن طایفه ضعیف و ذلیل در آن سرزمین منت گذارده و آنان را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث ملک و جاه فرعونیان گردانیم. که می‌تواند مؤمنین باشند که پس از مظلومیت و عجز و فقر باز با ظهور امام عصر (عج) در روی زمین تا قیامت دولت و قدرت و سلطنت یابند».

۱. مزامیر، ۱۸/۵۰.

۲. زکریا، ۹۶-۹۷.

۳. ملاکی، ۶-۳/۱.

۴. متی، ۲۴/۱۴.

۵. گنجینه‌ای از تلمود، ص ۲۵۲.

۶. اشعیا، ۶۵/۲۵.

۷. القصص، ۵ و ۶.

یا آیه شریفه: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاوُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»^۱. «اگر آب که مایه زندگی شماست صبحگاهی همه به زمین فرو رود، کیست جز خدا که باز آب گوارا برایتان آورد».

آیه زیر نیز به وضعیت جهان هنگام حکومت حقه امام زمان تفسیر شده است: «سَتْرِيَهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَّلَمَ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»^۲. «ما آیات قدرت و حکمت خود را بر آفاق جهان و نفوس بندگان کاملاً هویدا و روشن می‌گردانیم تا در خلقت آفاق و انفس نظر کنند و خداشناس شوند و آیات حکمت و قیامت و رسالتش همه ظاهر و آشکار شود. آیا خدایی که بر همه موجودات عالم پیدا و گواه است، کفایت از دلیل و برهان نمی‌کند که مفسرین در ارتباط با حکومت حقه امام زمان تفسیر کرده‌اند؟»
همچنین آیه شریفه: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ»^۳. «اگر بخواهیم از آسمان بر آنان نازل می‌کنیم؛ که این آیه نیز به حضرت حجت تفسیر شده است».

چون منجی ظهور کند همه گرفتاری‌ها برطرف می‌شود و آن گونه که در آیه ۸۳ آل عمران آمده، آنچه وجود دارد تسلیم منجی می‌شوند: «أَفَعَيِّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»^۴. «آیا (معاندان) دینی را غیر از دین خدا می‌جویند، در حالی که هر که در آسمان‌ها و زمین است منقاد و مطیع او شده است خواه و ناخواه و به سوی او بازگردانیده می‌شوید».

جهان پس از ظهور منجی، جهانی است بی‌مرگ، بی‌غم و رنج، بی‌درد و ماتم و جاودانه.^۵ دیگر شب نخواهد بود و احتیاج به چراغ و نور آفتاب ندارد، زیرا خداوند بر ایشان روشنایی می‌بخشد و تا ابدآباد سلطنت خواهد کرد.^۶

به عبارت زیر نیز در ارتباط با منجی از تلمود توجه کنید: «ماشیح انسانی است که از طرف خداوند مأمور انجام وظیفه خاصی خواهد شد، موجود مافوق انسانی نیست، او از نسل داود بوده و به فرزند داود ملقب می‌باشد».

۱. الملک، ۳۰.

۲. الفُصَّلَت، ۵۳.

۳. الشعراء، (طسم)، ۴.

۴. آل عمران، ۸۳.

۵. مکاشفه یوحنا، ۲۱/۴.

۶. مکاشفه یوحنا، ۵-۲۲/۱.

گاهی در تلمود ذکر می‌شود دو ماشیح ظهور خواهند کرد، یکی ماشیح بن یوسف از نسل یوسف پیامبر که در جنگ یاجوج و ماجوج کشته می‌شود، و دیگری ماشیح بن داود از نسل داود است که کار را به پایان می‌رساند و داوری بزرگ را آغاز می‌کند.^۱

حال که وضعیت و اوضاع و احوال جهان قبل از ظهور منجی و پس از ظهور بررسی شد اشاره‌ای نیز لازم است به وضعیت قیامت و اوضاع و احوال مردم در این روز عظیم داشته باشیم. در این زمینه نیز کتب مقدّس با قرآن مجید هم‌آهنگی دارد، برای مثال چند نمونه در اینجا ذکر می‌شود:

در مکاشفات یوحنا داریم: «آفتاب به تاریکی و ماه به خون بدل می‌شود، پیش از آمدن روز عظیم و نامدار خداوند».^۲

یا در رساله دوم پطرس داریم: «آمدن روز خدا را انتظار بکشید که در آن آسمان‌ها سوخته شده، از هم متفرق خواهند شد».^۳

و در متی می‌خوانیم: «آفتاب تاریک گردد، و ماه نور خود را نهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند، و قوت‌های افلاک متزلزل گردد».^۴

این مسأله در قرآن مجید و در آیات بسیار به صورت‌های گوناگون آورده شده است: «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ، وَ إِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ، وَ إِذَا الْعُشُورُ غُطِّلَتْ، وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ، وَ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ».^۵ «زمانی که خورشید درهم پیچیده شود و تاریک گردد و ستارگان آسمان تیره شوند و فرو ریزند و کوه‌ها به رفتار آیند و شتران دو ماهه آبستن را به کلی رها کنند و به دور افکنند، و هنگامی که وحوش و طیور نیز به عرصه قیامت محسور شوند، و هنگامی که دریاها چون آتش شعله‌ور گردند».

در سوره انفطار نیز موضوع به همین صورت مشاهده می‌شود: «إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ وَ إِذَا الْكَوَاكِبُ اتَّتَرَتْ، وَ إِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ وَ إِذَا الْقُبُورُ بُعِثَتْ».^۶ «آنگاه که آسمان بشکافتد، و ستارگان فرو ریزند و دریاها به هم راه داده شوند و آنگاه که قبرها زیر و زبر کرده شوند».

۱. تلمود، ص ۳۵۱ تا ص ۳۶۲.

۲. مکاشفات یوحنا، ۲/۲۰.

۳. رساله دوم پطرس، ۳/۱۲.

۴. متی، ۲۴/۲۹.

۵. التکویر، ۱-۶.

۶. الانفطار، ۱-۴.

این حقیقت در سوره الانشقاق نیز چنین بیان شده است: «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ وَ أَدْنَتْ لِرَبِّهَا وَ حُقَّتْ وَ إِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ»^۱. «آنگاه که آسمان بشکافد، و پروردگارش را انقیاد نماید و سزاوار باشد، و آنگاه که زمین کشیده شود».

همانگونه که ملاحظه می‌شود تغییرات جوی در آغاز قیامت در کتب مقدس و قرآن مجید شباهت زیادی با هم دارند، اما این که روز قیامت کی خواهد بود؛ آیا زمانی برای آن در نظر گرفته شده؟ در هیچ یک از کتب مقدس و همچنین قرآن مجید در این رابطه چیزی وجود ندارد، در مرقس داریم: در ارتباط با روز و ساعت روز بزرگ غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم،^۲ پس برحذر باشید و بیدار شده، دعا کنید، زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود.^۳

فقط نشانه‌هایی وجود دارد که در قرآن مجید و کتب مقدس آورده شده و درباره این نشانه‌ها به اختصار مسائلی بیان شد، غیر از تغییرات جوی در آستانه روز حشر همه مردم با یک نفخه از دنیا می‌روند که در قرآن مجید بدین شکل عنوان گردیده است: «وَ نُفِخُ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى، فَآذَاهُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ»^۴. «در صور دمیده می‌شود، هر کس در آسمان‌ها و زمین است از صدای آن جان می‌دهد، جز کسانی را که خدا بخواهد، پس از مدتی دیگر باز در صور دمیده می‌شود و با آن صدا مردم زنده می‌شوند و از قبرها برخاسته منتظر سرنوشت خود خواهند بود».

در سوره النباء نیز درباره صور دوم داریم: «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَنَأْتُونَ أَفْوَاجًا»^۵. «روزی که

۱. الانشقاق، ۱-۳.
۲. مرقس، ۱۲/۳۲.
۳. مرقس، ۱۲/۳۳.
۴. الزمر، ۶۸.
۵. النباء، ۱۸.

نکته: دمیدن صور اول که خداوند با آن جان همه خلایق را خواهد گرفت، تنها در یک آیه و در سوره الزمر آمده، اما دمیدن صور دوم که با آن جانها به اجساد برمی‌گردد در آیات زیر آمده است:

«... قَوْلُهُ الْحَقُّ وَ لَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَ ...» (الانعام، ۷۳)

سخن خداوند حق است و پادشاهی جهان ویژه اوست روزی که در صور دمیده می‌شود.

«... وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمَاعًا» (الکهف، ۹۹)

و در صور دمیده شود و همه خلق را در صحرائی قیامت گردآوریم.

بررسی مقایسه‌ای درباره وضعیت جهان پیش از ظهور مبعی و ...



در صور دمیده شود پس می‌آیید فوج فوج».

در مکاشفات یوحنا مفهوم فوق به این صورت آورده شده است: «و دیدم مردگان را از کهنتر و مهتر که پیش خدا ایستاده‌اند، و کتاب‌ها باز شده و کتابی دیگر که کتاب حیات است، گشاده شده و مردگان برحسب اعمال خود از آنچه در آن کتاب‌ها نوشته شده بود، حکم یافتند.»^۱

پس حضور مردم پس از زنده شدن در برابر میزان عدل الهی مسأله‌ای است که هیچ‌گونه اختلافی در ادیان مختلف وجود ندارد، و اینکه مردم در روز محشر به دو دسته یمین و شمال تقسیم می‌شوند، نیز آراء و نظرات یکسان است، در فصل دوم انجیل متی می‌خواهیم: «آنگاه مَلِكْ به اصحاب یمین خواهد گفت پس ملک به اصحاب شمال خواهد گفت.»^۲

در ارتباط با تقسیم بندی مردم در روز محشر به دو دسته ۱- اصحاب شمال، ۲- اصحاب یمین در قرآن مجید آیات بسیاری آورده شده که به تفصیل شرح داده می‌شود، هر یک از این دو گروه چگونه است و عاقبت آنان چه می‌تواند باشد، در سوره واقعه داریم: «فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ، وَ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ»^۳ که اصحاب دست راست چه کسانی هستند و اصحاب دست چپ چگونه‌اند.

اصحاب یمین خوشحال و موفق‌اند: «فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُ كِتَابِيَهُ،

«يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَ نَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا». (طه، ۱۰۲)

روزی که در صور دمیده شود که در آن روز گناهکاران کیودچشم را محشور گردانیم.

«فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَ لَا يَسْأَلُونَ». (المؤمنون، ۱۰۱)

پس چون در صور دمیده می‌شود، در چنین روزی نسب و خویشی در میانشان نماند و کسی از کس دیگر حال نپرسد.

«وَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَنُقَرِّعُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ». (النمل، ۸۷)

و روزی که در صور دمیده شود، هر که در آسمان است و هر که در زمین ترسان و هراسان باشد ...

«وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَآذَاهُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ». (یس، ۵۱)

و در صور دمیده شود، پس به ناگاه همه از قبرها به سوی خدای خود به سرعت می‌شتابند.

«وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعْدِ». (ق، ۲۰۱)

و در صور دمیده می‌شود، این است روز وعده‌گاه خلق.

۱. مکاشفات یوحنا، ۲۰/۱۳.

۲. انجیل متی، ۲۵/۳۱.

۳. الواقعة، ۸ و ۹.



أَنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلاقٍ حِسَابِيَّهٖ، فَهُوَ فِي عَيْشِهِ رَاضِيَّهٖ، فِي جَنَّةٍ عَلِيَّهٖ.»^۱

وضعیت اصحاب دست راست که در نعمت و راحتی هستند بدین صورت تشریح می‌شود:
«وَ أَصْحَابُ الْيَمِينِ، مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ وَ طَلْحٍ مَّنْضُودٍ وَ ظِلِّ مَمْدُودٍ وَ مَاءٍ مَّسْكُوبٍ وَ فَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَّامَقْطُوعَةٍ وَ لَأَمْمُوعَةٍ وَ فَرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ.»^۲

اما راستان و اصحاب یمین چه خوش‌روزگارند، در سایه درختان سدر، پرمیوه بی‌خار، و درختان پربرگ سایه‌دار، در سایه ممتد درختان و آب‌های زلال و میوه‌های بسیار که هیچ‌وقت منقطع نشود، و هیچ‌کس آنان را از آن میوه‌ها منع نکند و فرش‌های پرپها یا فراشان و زنان زیبا و...».

اگر پرسیده شود این نعمت‌ها پاداش چه کسانی است، پاسخ آن است این پاداش‌ها ویژه کسانی است که در مال و ثروتشان حقی معین برای افراد فقیر و محروم است: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ»^۳ و در سوره دهر می‌خوانیم یکی از صفات کسانی که در روز قیامت نجات می‌یابند و در کار خود موفق‌اند این است که: «وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا، إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لِأَتُرِيدُوا مِنكُمْ جَزَاءً وَ لَأَمْسُكُورًا.»^۴ «انان برای خاطر خدا و دوستی او به فقیر و اسیر و یتیم طعام می‌دهند و گویند که ما فقط برای خشتودی حق به شما غذا می‌دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی نمی‌طلبیم».

شبیبه مطلب فوق در انجیل متی بدین صورت آورده شده است: «ای برکت یافتگان به در من بیایید و آن مملکت را که از ابتدای عالم به جهت شما مهیا شده بود تصرف نمایید، زیرا من گرسنه بودم طعامم دادید و تشنه بودم سیرابم نمودید و بی‌کس بودم پناهم دادید و برهنه بودم مرا پوشانیدید و رنجور بودم عیادت‌م نمودید و در زندان بودم نزد من آمدید، آنگاه آن عادلان او را در جواب خواهند گفت خداوند کی گرسنه‌ات دیدیم و طعامت دادیم یا تشنه بودی و سیرابت نمودیم و کی تو را بی‌کس دیدیم و پناحت دادیم یا عریان بودی و پوشانیدیم یا کی تو را مریض و محبوس دیدم و نزد تو آمدیم پس ملک آنان را جواب خواهد گفت که به درستی که به شما می‌گویم که هر چه با یکی از این کوچکتران از برادران من به عمل آوردید، آن را

۱. الحاقه، ۱۹-۲۲.

۲. الواقعة، ۲۶-۳۴.

۳. المعارج، ۲۴-۲۵.

۴. الدهر (الانسان)، ۸-۹.

برای من انجام دادید».

وضعیت گروه دوم یعنی اصحاب شمال یا دست چپ نیز در قرآن مجید و کتب مقدس تقریباً به یک صورت تصویر شده است: پس به اصحاب شمال خواهد گفت: «ای ملعونان از نزد من بروید در آتش ابدی که به جهت شیطان و سپاه وی مهیا شده است، زیرا که گرسنه بودم تغذیه‌ام ننمودید و بیمار و محبوس بودم عیادت‌م نکردید، که آنان خواهند گفت: خداوندا کی تو را گرسنه یا تشنه یا بی‌کس یا برهنه یا بیمار و محبوس مشاهده نمودیم که تو را خدمت نکردیم و ملک جواب خواهد گفت: آنچه نسبت به یکی از این کوچکتران به عمل نیاوردید با من نیز به عمل نیاوردید، و آنان در عذاب ابدی خواهند رفت و عادلان در حیات ابدی».^۲

این مطلب در سوره واقعه به صورت زیر دیده می‌شود: «وَ أَصْحَابُ الشَّمَالِ، مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ، فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ وَ ظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ لَا بَارِدٍ وَ لَا كَرِيمٍ، إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ وَ كَانُوا يُصْرُونَ عَلَى الْحِثِّ الْعَظِيمِ».^۳ «و اصحاب شمال، چگونه‌اند اینان در دست چپ، در آتش نفوذ کنند و آب جوشان و سایه‌ای از دود سیاه که نه سرد است و نه پسنديده است، اینان کسانی‌اند که پیش از این در ناز و نعمت بودند و بر گناه بزرگ پافشاری می‌کردند».

علت گرفتاری و بدبختی اصحاب شمال در سوره فجر بدین صورت آورده شده است: «كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ وَ لَا تَحَاضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ».^۴ «که یتیمان را گرامی نداشتید و به طعام دادن بینوایان رغبت نمی‌کردید».

در سوره مدثر هم شبیه همین مطلب مشاهده می‌شود: «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَ لَمْ نَكُ نَطْعُمِ الْمِسْكِينِ»^۵ «چه چیز را به جهنم برد، پاسخ می‌دهند، ما نماز نخواندیم و به بیچارگان هم غذا ندادیم».

اصحاب شمال ناراحتی خود را بدین گونه بیان می‌کنند: «وَ أَمَا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ، فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ وَ لَمْ أُدْرَ مَا حِسَابِيهِ»^۶ «اما کسانی که نامه عملشان به دست

۱. متی، ۴۶-۲۵/۳۱.

۲. همان جا.

۳. الواقعة، ۴۰-۴۵.

۴. الفجر، ۱۹-۲۰.

۵. المدثر، ۴۵-۴۶.

۶. الحاقه، ۲۵.

چپشان داده می‌شود، می‌گویند ای کاش این نامه را به من نداده بودند و من حساب خود را نمی‌دانستم».

نتیجه

از مجموع مطالبی که در این مقاله آورده شد، می‌توان این نتایج را حاصل نمود:

۱- بشارت‌های کُتُب مقدّس (تورات، انجیل، زبور و ...) درباره ظهور منجی عبارتند از:

۱-۱- بشارت اول مزمور ۳۷ از زبور داود، ص ۶۶۴ و ص ۶۶۵.

۱-۲- بشارت دوم مزمور ۷۲ از زبور سلیمان، ص ۶۸۴ و ص ۶۸۵.

۱-۳- بشارت سوم باب ۱۱، ص ۷۹۲، نهالی از تنه یسی و ۶۵ اشعای نبی، ص ۸۴۶،

آسمان و زمین جدید.

۱-۴- بشارت چهارم باب ۱۲ دانیال نبی، ص ۱۰۱۷، زمان آخر.

۱-۵- بشارت پنجم، فصل ۲۴ انجیل متی (عهدجدید)، ص ۱۱۲۰ و ص ۱۱۲۱، آینده

جهان.

۱-۶- بشارت ششم، فصل ۲۱ انجیل لوقا (عهدجدید)، ص ۱۲۰۴ و ص ۱۲۰۵، آینده

جهان.

۱-۷- بشارت هفتم، فصل ۱۳ انجیل مرقس (عهدجدید)، ص ۱۱۵۴ و ص ۱۱۵۵، آینده

جهان.

۲- رفتار منجی بین مردم با عدالت و دادگری خواهد بود و ظلم و ستم از بین می‌رود و بین مردم با دادگری حکم می‌شود، فقرا و مستمندان مورد توجه خواهند بود.

۳- حکومت منجی فراگیر است و بر تمام جهان فرمانروایی خواهد کرد.

۴- کشاورزی رونق فوق‌العاده خواهد یافت.

۵- جهان از معرفت خداوند پر می‌شود، پس عقل‌ها کامل می‌گردد و دانش‌ها به نهایت

می‌رسد.

۶- زمان ظهور منجی مخفی و مکتوم است یعنی کسی آن را نمی‌داند.

۷- یاوران منجی فرشتگانند که همه در اطاعت او می‌باشند.

۸- قبل از ظهور منجی پیامبران دروغین ظهور خواهند کرد که مردم با گفته‌های آنان

گمراه می‌شوند.

۹- اتفاق نظر همه ادیان آسمانی بر ظهور منجی و مصلح.

۱۰- ظهور دجال پیش از منجی و فریب مردم.

۱۱- آیات قرآنی که تأویل و تفسیر به ظهور منجی شده است:

۱-۱۱- بقره ۲۱۳ و ۲۵۶

۲-۱۱- آل عمران ۵۸

۳-۱۱- انعام ۱۱۵ و ۱۴۹ و ۱۵۳ و ۱۶۱

۴-۱۱- مائده ۳ و ۴۲ و ۴۸ و ۵۰

۵-۱۱- توبه ۳۳ و ۴۰

۶-۱۱- یونس ۶۴ و ۹۹

۷-۱۱- هود ۸۶

۸-۱۱- اسراء ۸۱

۹-۱۱- انبیاء ۹۳ و ۱۰۵

۱۰-۱۱- حج ۱۷ و ۴۱

۱۱-۱۱- شوری ۱۳

۱۲-۱۱- فتح ۹ و ۲۸

۱۳-۱۱- صف ۶

۱۴-۱۱- ق ۶

۱۵-۱۱- نصر ۱ و ۲

۱۶-۱۱- نور ۵۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی